

کتابخانه مرکزی تهران

۹۹۹

iranische Bibliothek in Hannover

(۲۰)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (راه کارتر)
کمیته کردستان

سال دوم شماره بیستم نوروزین ۶۴



اول ماه مه گوینش خلق کرد
صفحه ۱۷

اصول راهنمای مایرای

قطع درگیریه‌ها چیست

شکاف بیسابقه ای که در اثر
وسیع د رگیری بین نیروهای مسلح حزب
د تکرار و کوبه له در جنبش مقاومت خلق
کرد و در کلیت کردستان پرچم آه
باعث گردیده است که دستاوردهای
چندین ساله جنبش بسا سرعت
سرسام آوری لگدمال شود
بقیه در صفحه ۲

به یاد قاضی و
همر زمانش

صفحه ۲۳

در این شماره

اخبار جنبش

صفحه ۳۱

شعر

عملیات قهرمانانه پیشه‌رگان در منطقه آلان

صفحه ۲۸

آزادی ، استقلال ، حکومت شورائی



انقلاب نام نهاد که بیانگر عنصر ذهنی انقلاب باشد یعنی هدایت عملی جنبش را به دست آورده داشته باشد. از آن جهت که سازمان یافته و مکرر باشد و از نیروی حزب د مکررات و کومه له فرق و از نیروهای رهبری کننده و انقلاب در کردستان بود و در این بین حزب د مکررات با توجه به نقش عملی آن در جنبش مقاومت و در جایگاه نیروی اصلی رهبری کننده آن قرار گرفته است.

تلاش برای اعمال برنامه و سیاست ها و از آن طریق در اختیار گرفتن رهبری انقلاب حق هر نیرویی بوده و در شرایطی که امکان همیستل حاکمیت در منطقه ای بوجود آید (آنچه در چند سال اخیر بدلیل وجود مناطق آزاد کردستان وجود داشته است) تلاش برای پیشبرد ایسمن برنامه و سیاست ها در حوزه حاکمیت نیز حسب طبیعی هر نیرویی بشمار میرود. حزب د مکررات و کومه له که حاکمیت سازمانی خود را با حاکمیت خود و هائیکو می بندارند و هر دو برای اعمال حاکمیت خویش در مناطق آزاد کردستان تلاش کرده اند و هر جا درگیری ای بینشان روی داده اساسا بدلیل تقابل ایند و حاکمیت وعدم تحمل حاکمیت یکی توسط آن دیگری بوده است.

تا ششم بهمن سال گذشته درگیریهایی بین ایند و نیروی بزرگ منطقه ای داشته و حداقل سیاست عملی و رسی آنها منی بر جلوگیری از این د رگیریهایی بوده است. تا زمانی که حزب د مکررات و کومه له در برابر تبدیل شدن این د رگیری ها

اصول راهنمای ما . . .

ایند و تشکل سیاسی که در راس جنبش مقاومت قرار گرفته اند هر یک سیاست ها و تاکتیک های خاص خود را در روند مبارزه جاری کرده اند و نهال می نمایند. این سیاست ها منبعت از ماهیت طبقاتیشان از یکسو و از سوی دیگر موضوعی که در این مقطع در تقابل مسائل انقلاب در کردستان اتخاذ نموده اند می باشد و جدا از انحرافات که در سیاست های ایند ضیرو وجود دارد و هر دو آنها از زمره نیروهای سرد می کردستان بشمار میروند. . . . طی چند ساله گذشته درگیریهایی متعدد که بین ایند و سازمان بیوقوف پیوسته است که بررسی مجموعه این د رگیری ها تر ددی در این واقعیت بجای نمیگردد که چنین د رگیری هایی در قیاساً در رابطه با اعمال حاکمیت آنها در این منطقه بوجود آمده است. ایند و هر یک خود را رهبری خلق کرد و جنبش مقاومت میدانند. آنها ایس مسئله را آنچنان واژگونه جلوه میدهند که گویی در عرصه رهبری جنبش از وجود دیگری هیچ خبری نبود و خود بشهائی در این جایگاه قرار دارند. رهبری یک جنبش را نمیتوان از روی نیت یا حقانیت مواضع فلان سازمان سیاسی تعیین نمود و جدا از حقانیت این مواضع و به نیروهای میتوان نیروهای رهبری کنند و

به درگیری سراسری قرار داشته و مانع از تحقق آن میشدند، بر خیزد قطعی با مسئله از طریق هئیت بررسی و تحقیق و اعلام علنی نتایج کار آن به مردم امکانپذیر بود. اما از ششم بهمن با تهمناجم سازمانیافته کومه له به حزب دمکرات که تحولی در درگیریهای بین ایندونیو بود زمینه درگیری سراسری بین آنها بوجود آمد و در اصل واقعه ششم بهمن نیز آغاز چنین درگیری ای بود. از اینرو مسئولیت تبدیل شدن درگیریها فقط ای به درگیری سراسری، قبل از همه بعهده کومه له بود و چنین اقد این از نظر شما محکوم است.

پس از ششم بهمن درگیریهای اولیه پراکند، ای آغاز شد. کومه له از پیش خود را برای چنین موقعیتی آماده نمود، بود و حزب نیز از آن پس به تمرکز نیرو در ست زدن بسه آرایش نام برای درگیریهای بزرگتر آغاز نمود. تبلیغات گسترده را در پی، غیر برای آماده سازی نیروها برای درگیری شدت آغاز گردید و آرایش نیرو و آماده سازی نیروها برای درگیری های بزرگتر به در مبارزای اصلی اقدامات اولیه آنها تبدیل شد. در درگیری های مقدماتی اولیه پیش از پانزده تن از نیروهای طرفین جان باختند و پس از چندی درگیریهای بزرگتره ابتدا در پانه و سپس در جنوب کردستان آغاز گردید که این درگیریها هم چنان ادامه دارد. این درگیریها با احتساب درگیری اول اورمان

تاکنون ۱۰۰ تن از پیشمروگان طرفین راه کام مرگ کشاند و پیشمروگان بسیاری به اسارت آنها درآمده اند. تداوم این درگیریها تلفات بیش از این را نیز بدنبال خواهد داشت.

گرچه درگیری ۱۶ بهمن آغازگر درگیری سراسری کردستان بود اما ریشه این درگیریها تنها به این نقطه بازنگشته و در برخورد با آن نباید به این مسئله محدود شد. مهمترین نکته باید دید مناسبت ایندونیو و همچنین نیروهای دیگر درگیر در جنگ انقلابی کردستان بزرگه باید استوار باشد و توجه و یابند به چگونگی عواملی میتوانند زمینه این درگیریها را از بیسی بود و روابط نیروها را بر اساس الزامات منافع جنبش تنظیم نماید.

اولین اصلی که در رابطه با این مسئله باید مورد توجه قرار گیرد، اصلی که برعینست مبارزه جاری کردستان استوار بود و ناشی از مسئله ملی بمثابة اصلی ترین عنصر بسیج کنند اهالی کردستان در خدمت مبارزه انقلابی میباشد، این واقعیت است که مسئله ملی و مبارزه ملی در کردستان امروز، در مبارزه طبقات گوناگون اهالی آن بایکدیگر غلبه داشته و این عنصر میتواند بیشترین نیرو را در خدمت جنبش انقلابی بیدان آورد و بکار اندازد. بی گمان اقتضای طبقات گوناگون ملت کرد در مسئله ملی و خواست خود مختاری که شکلی از حق تعیین سرنوشت است اهداف و منافع طبقاتی متفاوت

خود را دنبال میکنند . انتظار تعطیل کردن مبارزه طبقاتی در کردستان نه تنها امری مضر بلکه توهین بیش نیست و زحمتکشان و دربین آنها بطوریکه کارگریدون شك باید در راستای ضافع خود حرکت کنند . اما طبقه کارگروه تبع آن کمونیستها نیز باید این واقعیت را بطور ملموس درك کنند که پیش برد برنامه هایشان بدون توجه به روند عینی مبارزه در يك منطقه ملی نظیر کردستان وبدون بهره گیری از مسئله ملی بمثابه مسئله درجه اول مردم کردستان امکان تحقق خود را از دست خواهد داد . طبقه کارگرنماید در مقابل طبقات دیگر از ضافع طبقاتی خود و مبارزه برای تحقق آن دست بردارد و برعکس ، هرچه طبقه کارگر بر روی سیاستهای خود پافشاری نموده و آنرا به پیش ببرد ، جنبش انقلابی کردستان را یکال ترشده و بیه دروازه های پیروزی نزدیک تر خواهد شد . اما آنچه میتواند شکی مسألت آمیز این مبارزه را در فعلیت کنونی تضمین نماید ، پایبندی به واقعیات این مبارزه و درك غلبه مسئله ملی بر جنگ طبقاتی و تبعیت از الزامات چنین امری است .

وجه طبقاتی مبارزه در کردستان را نمیتوان و نباید صنوعاً بر وجه ملی آن غلبه داد و چنین امری بدون شك پتانسیل انقلابی جنبش

را به هرز داده ، تخصصات درونی آنرا با لایروآب به آسیاب دشمن خواهد ریخت . جنگ برادر کش و خانگی یکی از نتایج عدم پایبندی به این واقعیت مبارزه انقلابی کردستان است و نیروها مردمی جنبش مقاومت باتکیه بر این واقعیت و پذیرش نتایج عملی آن قادر به از بین بردن زمینه چنین جنگی در کردستان خواهند بود .

درك ضرورت اتکا بومسئله ملی و در نتیجه آن امکان پذیر بودن مسألت و مدارا در بین نیروهای مردمی ، در درجه اول در گسرو پذیرش این واقعیت است که مسئله ملی در کردستان بر جنگ طبقاتی مقدم می باشد . باید بر اساس آنچه در واقعیت و عمل تقدم است شروع کنیم و این شروع بدان معنایست که وجه طبقاتی مبارزه در کردستان باید به فراموشی سپرده شود . اما مسائل اجتماعی در تناسب با ظرفیت جنبش امکان پیشروی دارد و در چنین شرایطی معیار سنجش ما در پیشرفت وجهه طبقاتی باید تقدم وجه ملی باشد .

اصل دیگری که بر پایه آن پایان دادن به درگیریهای کنونی و جلوگیری از ادامه نمونه های دیگر آن مکان تحقق می یابد دفاع پیگیر از دموکراسی و پایبندی بودن به تمامی نتایج عملی این دفاع است .

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده ای

کردن بستان بشابه در دفاع از موکراسی است .
 خلق قهرمان کرد بایرداشتن سلاح و دست
 زدن به مبارزه ای سخت ، هم در مدعوم کردن
 رژیم آریامهری وهم بویژه در مبارزه برای سزنگو
 رژیم وایسگرای فقهانقش خود را ایفا کرد و
 همچنان میکند . مبارزه خلق کرد برای دست
 یافتن به آزادی و خود مختاری در چهارچوب
 مبارزه با این نظام صورت گرفته و در همین
 چهارچوب نیز باید به وسیع ترین و نامحدودترین
 آزادیهای سیاسی پای بند بود . وفاداری به
 اهداف انقلاب در کردستان ، بدون چنین
 پایبندی فاقد معنا و مضمون واقعی بود و بسا
 بدیوش مبارزه با نظام گذشته ، آزادیهای
 سیاسی در سطح گوناگون آن باید ادامه یافته
 و اکیداً محترم شمرده شود . چنین آزادیهای
 راحتی برای يك لحظه نمیتوان تعطیل کرد و
 نمیتوان به بهانه کمیت ، کیفیت ، کمیتو . . .
 فلان نیرو محدودیتی برای آن ایجاد کرد و
 آزادیهای تبلیغاتی نه تنها بمعنای تبلیغ
 مواضع هر نیروی توسط آنست بلکه نقد نظرات
 دیگران یکی از پایه های اثبات نظرات درست
 و تبلیغ و ترویج آنهاست . توده هاست . از اینرو
 تحت هیچ يك از این عناوین ماعنا و بینی مشابه آن
 نباید به حرم آزادیهای سیاسی تعرض کرد و
 چراکه چنین عملی تنها یعنی عدم پایبندی به
 اهداف انقلاب و لطمه زدن به نقش که کردستان
 بعنوان در دفاع از موکراسی بدست آورد و

تردیدی نیست که کردستان به در دفاع
 از موکراسی در جنبش انقلابی ایران تبدیل
 شده است . ریشه نقش که جنبش عقاومت خلق
 کرد در رابطه با موکراسی پیدا نمود ، راتداوم
 انقلاب در کردستان باید جستجو کرد . پس از
 قیام سال ۵۷ که ضد انقلاب جدیدی را به کرسی
 قدرت نشاند و این ضد انقلاب قبل از هر چیز به
 بازس گرفتن دستاوردهای قیام و لنگ مال کردن
 آزادیهای سیاسی مشغول شده و در کردستان
 تداوم انقلاب و وجود قدرت مسلح توده ای که
 در برابر حاکمیت ضد انقلاب جدید سرپوشو
 افراشته بود ، مواضع اساسی در برابر تعرض رژیم
 فقها به موکراسی ایجاد نمود . وجود قدرت
 مسلح توده ای باعث شد که تداوم انقلابی
 در کردستان و از طریق آن ادامه یافتن آزادی
 های سیاسی ، کردستان به در دفاع از موکراسی
 تبدیل شود . ضد انقلاب جدید حتی
 در زمانیکه موفق شده بود در سایر نقاط ایران
 کوچکترین صدای مخالفی را نامشروع جلسه
 داد و و شدت آنرا مسکوب نماید ، در کردستان
 ممانعت از آزادیهای سیاسی یعنی جلوگیری
 از تبلیغ آزادی و بیان نظرات و . . . برایش
 به امری ناممکن تبدیل گشته بود . از اینرو
 دفاع از موکراسی به یکی از اصول پایه ای
 در دفاع از انقلاب تبدیل شده و دفاع از ادامه
 یافتن آزادیهای سیاسی وظیفه اولیه هر
 نیروی می باشد که خواهان تداوم انقلاب در

ریزی ای باشد، چراکه توده و سازمان سیاسی را هیچگاه نمیتوان یکی پنداشت. يك سازمان سیاسی تنها از طریق تشکلهای تصویبشده ای و ارگانهای اعمال اراده آنها حق پیشبرد رهبری خود برجانبش، و اعمال حاکمیت را خواهد داشت. با ایجاد شرایط دموکراتیک در هر منطقه باید اداره امور را به ارگانهای توده ای سپرد و در صورتیکه چنین ارگانی برنامه های این یا آن نیرو را به صلاح مردم دانست، پیشبرد این برنامه ها مشروعیت انقلابی خواهد یافت. هرچنانکه امکان اعمال حاکمیت توده ها وجود نداشته باشد باید رهبری برجانبش انقلابی را از طریق تشکلهای توده ای که در شرایط کنونی عمدتاً تشکلهای مخفی میتوانند باشند اعمال نمود. نهاد راین صورت یعنی نهاد رصورت تمکین به اراده توده ها است که میتواند ریشه چنین درگیریهای راد ر فعلیت جنبش انقلابی کرد ستان خشکانتند. معیار مادمورد حل هرگونه اختلافی نیز اراده توده ها است و در صورتیکه درگیریهای موجود بتواند بر پایه ای اصولی پایان یابد، اختلافات رانیز باید بامعیار تمکین به اراده مردم حل نمود و در هر مقطعی نیز با چنین معیاری باید حرکت کرد. در مورد اختلافات موجود، همانگونه که اشاره کردیم از طریق تمکین به اراده مردم در مضائق آزاد (که اساساً مسئله حاکمیت برمیگردد) و تشکلهای توده ای نظیر شوراهای و... در مضائق دیگر باید اختلافات را حل

ی باشد. •
بر پایه این دو اصل راهنماست که درگیری بین حزب دموکرات و کومه له که در یگرمه تهاست جنبه سراسری یافته است میتواند پایان یابد و در چنین صورتی جلوگیری از تکرار آنها نیز امکان پذیر شود. شکافی که در اثر این درگیریها در جنبش مقاومت بوجود آمده نه تنها مایه رز و خلق کرد راد ر مقابل رژیم فقهیاتضعیف کرده است بلکه اولین تأثیری که در صفوف جنبش برجای میگردد پایمال کردن دموکراسی و محدود نمودن آزادیهای دموکراتیک است. از سوری دیگر قطع بلانافاصله ررسی این درگیری ها، جنبش خلق کرد را در برابر رژیم فقهیات تقویت کرده، از پایمال شدن آزادیهای سیاسی جلوگیری نمود و فضای مناسبی برای حصول اختلافات نقی ما بین بوجود میآورد. •
همانگونه که اشاره کردیم حزب دموکرات و کومه له هر دو برای اعمال رهبری خود برجانبش و اعمال حاکمیت خویش در نقاطی که امکان چنین عملی بوجود میآید تلاش میکنند. چنین تلاشی حق رهبری می باشد، اما اشکال اساسی این هر دو نیرو در اینست که آنها حاکمیت خویش را با حاکمیت توده ها یکی پنداشته و بجای تلاش برای اعمال حاکمیت توده ها، برای اعمال حاکمیت سازمانی خود میکوشند. این ادعا که ما یک سازمان توده ای هستیم و حرف ما حرف توده ها است نمیتواند مبنای برای چنین درهم

نمودن و اراد، اکثریت اهالی در این رابطه تسلی داد. لکن به تاکید مجدد است که آزاد بیسای سیاسی و حق بیان و تبلیغ مواضع تحت هیچ عنوان نباید محدود گشته و اقلیت باید از حق بیسیان نظرات خود، بدون هیچگونه محدودیتسی برخوردار باشد. باید این زدن به تمایلات کور و از آن طریق پایمال نمودن حق تبلیغ برای اقلیت، مبنای دموکراسی بزرگ سوال رفته و هرگونه تضییعی برای ادامه یافتن دموکراسی از بین خواهد رفت.

ادامه دادن به هرچنگی بدون توجه به چشم انداز آن بدون در نظر گرفتن نتایجی کسه این جنگ میتواند بدان دست یابد، هیچ نیرویی را به نتایج مطلوب نخواهد رساند. حتی اگر شرکت در یک جنگ از حقانیتی نیز برخوردار باشد، بدون تکیه بر نقشه ای قابل اجسرا و چشم انداز واقعی آن، هیچ حقانیتی به قدرت نخواهد رسید. حزب دموکرات و کومه له هر دو بمثابه سازمانهای توده ای، به بخشها و گرایشات معینی از خلق کرد را نمایندگی میکنند. اینسلا به هاد فعالیت کردستان و حتی در چشم انداز دراز مدت، دچار تغییر و تحولات طبقاتسی اساسی نخواهند شد و در نتیجه جریاناتی کسه نمایندگی آنها بعهده بریایه زمینه مادی و عینیت موجود قادر به ادامه حیات خود خواهند بود. وقتن به توده ای بودن این دو جریان توجه اخص بشود، آنگاه در رتد اوم بقایشان

در عرصه پیکار کردستان تردیدی باقی نخواهد ماند. بی شک ادامه این دو رژیم پهلوی حذفه تمام یکی از طرفین، منتهی خواهد شد و باقیستای نظامیشان در مناطق جداگانه ای از کردستان موازنه مجموعه نیروهای نظامی موجود در کردستان این امکان را که یکی از این دو شرایط عملسی حذف نظامی کامل بشود به اموری بعید تبدیل کرده است و محتملترین چشم انداز، منطقه ای شدن حضور آنها در کردستان خواهد بود. اما اگر حتی فرض را بر حذف نظامی یکی از طرفین بگذاریم، در این واقعیت نباید تردیدی داشت که این پایان نظامی را با پایان سیاسی نمیتوان یکی گرفت و بقای شرایط عینی و مادی حضور آنها در اوم تخصصات مداومشان را بدنبال خواهد داشت. در هر دو حالت، یعنی چه در صورتیکه منطقه ای شدن حضور نظامی به آیند و نیرو تحویل شود و چه در حالتی که یکی از آنها حذف نظامی گردد، اولاً این روند با به قتلگه بردن عسکری بیشتری از یک طرفین جوانان خلق کرد همراه خواهد بود. ثانیاً جنبش مقاومت را دچار لطافات جبران ناپذیر کرده و به پیشروی رژیم خمینی کمک شایانی خواهد کرد. ثالثاً زمینه جنگ خانگی و برادر کشی در از دست رفتن افرام خواهد نمود که پیروزی خلق کرد را برای رسیدن به خواستهها عادلانه خود بزرگ سوال جدی خواهد بود.

پس وظیفه تمامی نیروهای مردمی و در ره

تقویت جنگ خانگی . . .

۰۰۰ ارزیابی که کومه له نمایند به برولتاریا و حزب د مکررات نمایند ه بورژوازی کردستان است ه میکوشد مواضع د یگران را د رقبال د رگبره های خوین اخیر بین حزب د مکررات و کومه له که اکنون به یک جنگ خانگی تمام عیار و سراسری تبدیل شده و جنبش جاری خلق کرد را بطور جدی به مخاطره افکند ه محک بزند ه و این د ر حالی است که کومه له با چه بهره ای ظاهر لصلاح خود را مدافع شیوه برخورد مسالمت آمیز د رابطه یا حل اختلافات د رهن جنبش قلمداد نموده و مدعی پایبندی به راه حل سیاسی است .

کومه له می گوید: " راه برای همزیستی و مبارزه سیاسی د کردستان یا زاست " (پیغام براهم علیزاد ه پیشرو شطره ۵ - ضمیمه ۱ و به انچه مختلف تکرار میکند " گفته ایم و ساز هم میگوئیم ما یلیم اختلافات سیاسی - اید نولو - تیک فیما بین ازگانال مبارزه سیاسی د نبال شرد ") (" کومه له و حزب د مکررات ه د سیاست د رجنس کردستان - پیشرو شطره ۵) سؤالی که د ر اینجما مطرح میشود اینستکه آیا چنین رستی از طرف کومه له واقعی است و آیا کومه له میتواند به آنچه می گوید عملایا بیند یا شد ؟ ما د ر اینجما روشن خواهم نمود که چهارچوب فکری و بینشی کومه له که د مقاله " سیاست روزیونیستی " . . .

نیز ضعکس است ه تا چه اند از ه ناد رست ه مغشوش و موهم بوده ه و تا چه اند از ه باز است طرند اری از جایزه سیاسی و همزیستی مورد ادتکا این نیروی سیاسی د رتقاض بوده ه و چه گونه د ر جهت آتش افروزی جنگ د اخلی و تشدید مخصوصا د ر کردستان عمل می کند . د ر همین رابطه لازم است ببینیم اصولا زمینه ساز اصلی د رگیری کسوسی کیست .

اعلامیه کمیته کردستان ما بصراحت اعلام میدارد: " . . . آنچه ستیز نظامی ایند و نیسروا به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده ه د رهس ریزی صغوف انقلاب و ضد انقلاب توسط کومه له است . کومه له خود را نمایند ه برولتاریا و حزب د مکررات را نمایند ه بورژوازی میداند و با توجه به تحلیل که کومه له از بورژوازی د ارد یعنی بورژواز ملی را اسطره د دانسته (تا آنجاکه مدعی است که تنهان نیروی واقسامعتقد به این امر است) و تمامی نیروهای بورژوائی را بورژوا امپریالیست میداند روشن است که حزب د مکررات را د صرف بندی سیاسی د ر چه جایگاهی قرار داده ه و چه سیاستی د ر مقابل آن د ر پیش خواهد گرفت ؟ اگر برولتاریا د ر برابر بورژوازی غیر حاکم میتواند از طبرق و افشاگریهای سیاسی برنامه خود را به پیش ببرد ، تا آنجاکه مسئله حاکمیت سیاسی و اعمال آن د ر پیش است ستیز نظامی د ر منطقه ایکه هس د و دارای نیروی نظامی اند به امری اجتناب

ناید بر تبدیلی می‌گردد، در حالیکه در مقابل نیروی که در رف انقلاب جای دارد اتخاذا سیاست بگونه‌ای دیگر خواهد بود" (اعلامیه "فاجعه اورامان و...") اما آقای جعفر شیخی نویسنده مقاله "سیاست روزیونیستی... به عادت مالوف کومه له می‌گوشد بطرز شاید آنه‌ای این موضع گیری را بنا به مصلحت گروهی خویش قلب نمود و تعبیر نماید بهمین دلیل می‌نویسد: "راه کارگروصراحت بیشتری در اردوئه تنها مکر وجود مبارزه طبقاتی بیس پرولتاریا و پرولازی در دهن جنبش می باشد بلکه چنانکه خود بصراحت اعلام می نماید، بیان این مسئله توسط کومه له "ستیز نظامی بیس این دؤنیرو اجتناب ناپذیری ساخته است" از نظر راه کارگر بیان واقعیت مبارزه طبقاتی در جنبش کردستان توسط کومه له و گساره نا بخشودنی و بزرگی است که کومه له باید بسا تحمل تعرضات نظامی حزب د مکررات و تسلیم بدین قید و شرط در برابر وی کاره آن را ببرد از... ("سیاست روزیونیستی...") تاکید از خود مقاله) بدیترتیب آقای جعفر شیخی می‌خواهد چنین وانمود کند که اعلامیه "فاجعه اورامان" بیان "مواضع ناد رست و مغلولط از طرف کومه له را زمینه ساز اصلی درگیری عنوان نموده. همچنین جالانم است این تفسیر و تعبیر به مصلحت گروهی خویش از طرف نویسنده

را افشاء و مواضع اعلام شده در اعلامیه مذکور را باز روشن نمائیم.

آنچه اعلامیه "فاجعه اورامان... عنوان می‌کند (و محور اصلی بحث ما نیز می‌باشد) در اصل مسئله "بیان" مواضع نیست بلکه سیاست عملی است. طبعا هر کس و هر نیروی بر اساس مواضع خود عمل می‌کند. اما ما نیز خود را محقق میدانیم که با خیلی از این مواضع - و نه با بیان آنها - که از طرف هر کس و هر نیروی طرح بشنود مخالف باشیم و در عرصه پراتیک نیز تاثیرات عملی این مواضع را به نقد بکشیم. مسئله اصلی نیست اینجاست که این مواضع تا چه حد نادرست بود و عملاتا چه حد را ایجاد زمینه تخاصم و درگیری تاثیر دارد.

نویسنده "سیاست روزیونیستی... با این پیش فرض که کومه له نمایند پرولتاریا کردستان است، صف مستقل طبقه کارگر کردستان را حکمی قطعی میداند و میگوید راه کارگر "مکر حضور پرولتاریای مستقل در این جنبش" است. ما با این نظر نویسنده موافقم. چرا که با پیش فرض او مبتنی بر نمایندگی پرولتاریا کردستان توسط کومه له نه تنها نتوانق ند آریم، بلکه امید داریم در عرصه عمل چنین تجربه‌ی پرولتاریای کردستان نازل نگردد. اما وقتی آقای جعفر شیخی کومه له ای مدعی میشود که راه کارگر مخالف صف مستقل طبقه کارگر است

وی گوید راه کارگر ۱۰۰۰ اساساً مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی را در بر می گیرد. جنبش کمونی کردستان "انکار نمی کند" و اما راه کارگر صراحت بیشتری دارد وی منکر وجود مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی در رن جنبش می باشد. " (" سیاست روزیونیستی سیاسی ") تاگزیریم مخالفت خود را با این حکم بر پایه وی استدلال اعلام نمائیم. مانده تنها با صاف مستقل طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی مخالف نیستیم بلکه با تمام قوا در جهت ایجاد صاف مستقل پرولتاریا و پیشبرد مبارزه طبقاتی در راستای منافع طبقه کارگر تلاش می کنیم. اما برای آنکه روشن نمائیم صدور چنین احکامی از طرف نویسندگان و کوشش او برای قلب و خند و ش کردن بحث به چه منظوری صورت می گیرد و لایق می بینیم اثبات کنیم که درك و با نتیجه سیاست عملی کومه له برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و ایجاد صاف مستقل طبقه کارگر کردستان با سیاست و درك کمونیستی از این مسائل اساساً تفاوت دارد.

واقعیت اینست که کومه له و حزب کمونیستش نویسندگان مقاله مورد بحث ما و همگی می پندارند که در کردستان يك جنبش همگانی ملی دروگر. اتیک در جریان است. بعنوان مثال، آقاسی صدیق کمانگر در مقاله " سازماندهی حاکمیت انقلابی تود" هاد رکوردستان " درج در نشریه

" پیشرو " شماره ۴ می نویسد: " خصیت ملی د مکراتیک و همگانی بودن این جنبش سبب شد که خواست کسب قدرت سیاسی بطور کلی در کسب حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد **هر شکل** مشخص خود مختاری برای کردستان متجلی گردید. " اما نه کومه له و نه حزب کمونیستش زنده نویسندگان مقاله مورد بحث، با الزامات چنین جنبشی را نمی پذیرند و تحت پوشش و بهانه بسط مبارزه طبقاتی و نظراً و عملاً به زمینه سازی جنگ خانگی همت می گمارند و همینجاست که وقتی مورد انتقاد قرار می گیرند دیگران را متهم به نادیده گرفتن مبارزه طبقاتی و عدم قبول صاف مستقل طبقه کارگر در کردستان می کنند.

تندی نیست که طبقات مختلف از رویای مختلف به مسئله ملی نگریسته و متناسب با جایگاه طبقاتی خویش سیاستهای معینی را برای رسیدن به اهداف مشخص دنبال میکنند اما کمونیستها که در هر مقطع متناسب با الزامات واقعی و مشخص شرایط مبارزه موظفند بیشترین نیرو را برای درهم کوبیدن دشمن بالفعل و اصولی در جهت پیشبرد انقلاب مشکل و مجتمع سازند و در حل مسئله ملی نیز باید بکوشند هر نیروی را که برای حل مسئله ملی - که يك مسئله د مکراتیک و مورد قبول کمونیستهاست - حاضر به مبارزه باشد در خدمت آن قرار دهند. در اینجا صحبت بر سر تعطیل

مبارزه طبقاتی از جانب کونیست‌ها نیست و کونیست‌ها همواره بد رهبر شرايطی موظفند در جهت ایجاد صف مستقل طبقه کارگر و بسط مبارزه طبقاتی در راستای منافع پرولتاریا بکوشند؛

بلکه بحث بوسراین است که نباید به بهانه بسط مبارزه طبقاتی مسئله ملی را تحت الشعاع قرار داد و در جهت تضعیف آن کوشید، بلکه باید در چهارچوب مسئله ملی حتی اگر بورژوازی نیز قدم پیش گذاشت و تا آنجا که در خدمت به حل این مسئله مبارزه می‌کند از نیروی آن استفاده نمود. اما کومه له با چشم بستن بر این واقعیت که حزب د مکررات و در جنبش جاری خلق کوم و در این چهارچوب (ملی - د مکرراتیک) قرار دارد عملاً همراهی را برای ائتلاف و همکساری بسته و نه تمهید رتثیری بلکه در عمل زمینه‌های درگیری با آنرا فراهم می‌آورد.

واقعیتی که کومه له بر آن چشم می‌بندد اینست که حزب د مکررات بضا به يك حزب ملی و در جنبش د مکرراتیک خلق کرد حضور دارد. يك حزب ملی و به سطنگونه که در مملتی از طبقات مختلف تشکیل شده و در برگیرند گرایشات طبقاتی^{مختلفی} است که برای حل مسئله ملی، بعنوان مسئله مورد توافق طبقات مختلف يك ملت به فعالیت می‌برد از د همزمنی گرایشات طبقاتی مختلف از پرولتاریا تا بورژوازی و حزب ملی را به حزب يك طبقه خاص تبدیل نمی‌کند. البته

روشن است که تلاش برای تبدیل حزب ملی به حزب خاص طبقه معین و آنرا د جارتلاطسات شدید نموده و باعث انشقاق و انشعاب گسترده در آن خواهد شد و حزب د مکررات نیز يك حزب

ملی و بیانگر خواست طبقات مختلف از خلق کرد است که علیرغم گرایشات متفاوت سیاسی، برای حل مسئله ملی و کسب خود مختاری و در این حزب گردآمده و در راستای آن مبارزه می‌نمایند اما حتی اگر ارزیابی نادرست کومه له را

د مورد حزب د مکررات بید بوم، یعنی پروتاریسم که حزب د مکررات نمایند و بورژوازی کرد بست، باید قبول نمود که چنین حزبی تا زمانیکه برای خود مختاری و این خواست د مکرراتیک، مردم کردستان و مبارزه می‌کند و در صف انقلاب و در کنار مردم قرار داشته و باید از نیروی آن در جهت انقلاب (ولا حاله در جهت تقویت پرولتاریا) استفاده نمود و سیاست ائتلافی را با آن پیشه کرد. سیاستی که کومه له را با آن کاری نیست.

کومه له با د مکرراتیک و قالبی اش و حزب د مکررات را نمایند و بورژوازی کردستان ارزیابی میکند. چرا که د نظام فکری کومه له - که همگوشخت بر و کوست عمل می‌کند - هر نیروی سیاسی نمایند و يك طبقه بود و از آنجا که کومه له خود را نمایند و پرولتاریا کردستان میدانند و قاعدتاً باید نیروی مقتدر دیگر در رهن جنبش را نمایند و بورژوازی قلمداد کند. مگر نه اینکه کومه له بسا

ضمن سیستم فکری لیبرال - آنارشیستی واران،
 گرایانه اش، برای پیوند جنبش خلق کرد با جنبش
 سراسری د روحدت یا "اتحاد مبارزان کمونیست"
 دست به تشکیل "حزب کمونیست" ش زد تا بایک
 فراقکسی و صف مستقل طبقه کارگر و جنبش کوم-
 نیستی و جنبش ملی د مکرانیک خلق کرد را - کسه
 خود مدعی نمایندگی آن است - از انزوا بیرون
 بکنده - پس باید د رکورد ستان نیز با قلمداد نمود
 حزب د مکرانیک بتنا به نمایند ه بورژوازی ملت کرد
 ود رگیز شدن همه جانبیه با آن وظایف -
 کمونیستی (۱) خوش (بزم کومه له تشد یسد
 مبارزه طبقاتی و بهر شکل و شیوه ود رهبر شرایط
 و بهر قیمت) را انجامد هد - زاد یکالیسم منحط
 کومه له همینجاست که خود رابه نمایش میگد ارد
 البته اشکال د رک لیبرال - آنارشیستی
 کومه له تنهاد راین نیست که بناد رست حزب
 د مکرانیک حزب بورژوائی آرزیاپی میکند بلکه
 اشکال اصلی اش د راینستکه اولاعلیرغم ادعا
 هایش د رمورد شناخت جنبش خلق کرد و بعنوان
 یک نیروی قد رتمد بوی فعال د راین جنبش، ل-
 نی یابد (یا نمیخواهد د ریابد) که مسئله ه
 مقدم جنبش کومنی خلق کرد مسئله ملی است و
 مبارزه طبقاتی باید بر بسترواز کانال یا سخگون
 به این مسئله مقدم پیش رود - ثانیا سیاست
 خود را بانیره های د یگر جمله حزب د مکران
 نه بر اساس مواضع آنها نسبت به مسئله مقسدم

(مسئله ملی) بلکه بر اساس اهمیت آنها پی ریزی
 میکند .

برای کومه له اهمیت ند ارد که حزب د مکران
 علیرغم تمامی اشکالاتی که منجمله د زمینه برخورد
 به مسائل د مکرانیک و آزاد بیهای سیاسی دار د
 (ود راین زمینه مانده تنها با حزب د مکرانیک کسه
 با خود کومه له نیز مرز بندی مشخص د اریسم)
 برای حل مسئله ملی و برای کسب خود مختاری،
 که خلق کرد آنرا بعنوان شکل حق تعیین سرنو^{شت}
 خویش تعیین کرد ه مبارزه ی کند ود راین راستا
 ظرفیت ائتلاف با تمامی نیروها و جمله کمونیستها
 راد ارد - آنچه برای کومه له حائز اهمیت د رجه
 اول است آنستکه حزب د مکران رانایبند ه
 بورژوازی کرد جابزند ، و از آنجاکه کومه له حر
 نیروی بورژوائی را بورژوا امپریالیست میداند ،
 وظیفه خوش می بیند که د رقیال این حزب سیاست
 مبارزه (با اصطلاح خودش سیاسی!) را پیش
 ببرد - وقتی د شمی اساس رابطه باشد د یگر
 جایی برای ائتلاف و همکاری ، برای پیشبرد
 مبارزه عادلانه خلق کرد و برای کسب خود مختار
 بین کومه له و حزب د مکران باقی نمیماند .

کومه له میخواهد همین امروز جنگ
 بروتار یا بورژوازی د رکورد ستان راه بیاندازد .
 بر همین پایه است که آقای عبداله معتدی د بیر
 کل حزب کمونیست کومه له د ر نشریه "کمونیست
 ارگان مرکزی این حزب مینویسد: "رکورد ستان

شمانه با یک تقابل ساده و
 جنبه بورژوازی و پرولتاریا بلکه
 با یک مثلث سیاسی - طبقاتی
 مواجه هستید. مثلثی که د و
 راس آنرا بورژوازی و یک راس را پرولتاریا
 تشکیل میدهد. در کردستان شما
 ضیق اینکه در کنار بورژوازی کرد بر
 علیه بورژوازی ملت مستقر می‌کنید و از
 این نظر با وی هم جهت هستید -
 و این وضعیت عینی است که مناسبت
 پرولتاریا و بورژوازی را در کردستان
 از ویژگیها و خصوصیات معینی بر
 خوداری سازد - باید وظیفه سو -
 سیالیستی خود را که کل بورژوازی
 و نظام او را نشانه گرفته است، بی
 وقته به انجم برسانید، و نه فقط
 این بلکه باید در دل هدین جنبش
 انقلابی ملی و جنبش انقلابی ملی
 برای گسترش عقب ردا نه این جنبش،
 برای تبلیغ و سازماندهی توده های
 زحمتکش حول دمکراسی انقلابی و
 خواسته های مردم و نیروی و پایه ای
 آنها، برای سازماندهی حاکمیت
 انقلابی و کسب رهبری کامل این
 جنبش هم پیگیرانه تلاش کنید
 و اینجا دیگر شما بویژه در مقابل
 بورژوازی " خودی " قرار میگیرید.

(تعرض مسلحانه به کومه له ۰۰۰)
 * کمونیست شماره ۱۰ (بدین ترتیب آقای
 مهتدی مسئله مقدم (ملی) را د و ر
 زده و با مقدم دانستن مسئله طبقاتی
 روشن میسازد که ادعای کومه له
 ضعیف بر اینکه خواهان همزیستی و
 مبارزه سیاسی با حزب دمکرات تا
 چه اندازه غیر واقعی است - بویژه
 وقتی کومه له که خود را نماینده
 پرولتاریا و حزب دمکرات را نمایند
 بورژوازی کردستان میداند، بر
 ۰۰۰ وجود یک مبارزه حاد
 درین جنبش ملی - دمکراتیک کردستان *
 * سازماندهی حاکمیت انقلابی
 توده ها در کردستان * - پیشرو
 شماره ۴) صراحت دارد و " این
 واقعیت که در حال حاضر بورژوازی
 و پرولتاریا هر یک با تشکل و حزب
 سیاسی و نیروهای مسلح و با برنامه و
 اهداف ریزه خود در این جنبش
 شرکت دارند " (همانجا) را عرض
 گرفته و می پذیرد که " ۰۰۰ در چند
 سال گذشته در کردستان در کناره و در
 تعارض با حاکمیت رژیم جمهوری
 اسلامی کومه له و حزب دمکرات کم و بیش
 در امور مربوط به حاکمیت دخالت
 کرده اند " (همانجا زیر نویس)

چنین بورژوازی بی‌عرضه‌ای در سرتاسر دنیا پیدا شود که با چنین تهدیدی به تسلیم تن نهد. مگر آنکه ارزیابی کومه له این باشد که این بورژوازی را به محاصره کامل درآورد چنانکه در صورت جنبیدن نابود خواهد شد. که در این صورت ارزیابی پیش‌دریائی با واقعیت فاصله دارد. بهر حال بهمین دلیل نیز آقای عبداله مهتدی با صراحت می‌گوید: «با این همه اشتباه محض است اگر تصور شود که ما فقط با وسائل سیاسی قادر خواهیم بود - یا قادر بودیم - که جلوی تعرضات مسلحانه بورژوازی کرد را بگیریم. حصول چنین وضعیتی در مبارزه سیاسی و طبقاتی در کردستان به داشتن آمادگی کامل برای مقابله همه‌جانبه با هر سطحی از تعرض قهرآمیز بورژوازی و همه‌دیش گرفتن آنچنان سیاست عملی نیازمند است که حزب دمکرات را به عیب بودن چنین اقدامی متقاعد سازد و یا در صورت ارتکاب کاملاً بشیمان نماید.»

مدعی می‌شود که از لحاظ مضمون و محور اصلی اختلافات نیز مسئله از تشبیت و تحمیل آزاد بیهای سیاسی و تبلیغات سیاسی به بورژوازی فراتر رفته است و در حال حاضر مسئله حاکمیت و تعیین کل مضمون و سیراتی جنبش کردستان و رهبری آن مسئله محوری و مورد مناقشه بورژوازی و پروتار یا است. (۱) «تعرض مسلحانه... کمونیست شماره ۱۵ - تاکید از ما است»
دیگر باید قبول کرد که از طرف کومه له جایی برای همزیستی و مبارزه سیاسی باقی نماند. چرا که وقتی رابطه دنیوی مسلح بر اصل تخاصم گذاشته شده باشد، اشتراک در اعصاب سال حاکمیت امکان ناپذیر بود و مسئله حاکمیت از طریق درگیری قهرآمیز حل نخواهد شد. پس ادعای کومه له برای همزیستی و مبارزه سیاسی را باید به معتقد شدن کومه له به گزراستات تعبیر کرد یا در غیر این صورت کومه له به بورژوازی می‌گوید یا جنگ یا تسلیم تو! و بعید است امروزه

(۱)

قابل توجه است که از ابتدای درگیری‌ها، کومه له در اکثر مقالات و گفتارهای رادیویی خود سعی میکند که محور اختلافات را دمکراسی و آزاد بیهای سیاسی و حقوق تبلیغات سیاسی قلمداد کند. ما بهر حال با محتوای واقعی آزاد بیهای دمکراتیک عمیقاً موافق بودیم و خواهیم بود. اما باید در اینجا گفت (پس افشاند نمود) همانگونه که از نقل قول فوق‌بروی آید آقای عبداله مهتدی در بیرکل حزب کمونیست کومه له مسئله محوری را جنگ حاکمیت میدانند نه آزاد بیهای سیاسی. بنا بر این اینهمه گرد و غبار که کومه له بر روی اندازد تا آزاد بیهای سیاسی و نحوه برخورد با آنها را محور اختلافات قلمداد نماید و هدفی جز پوشاندن نیت واقعی آنها بدنیال نداشته و کومه له خود بهتر از هر کس میدانند که محور اختلافاتش با حزب دمکرات مسئله حاکمیت است نه آزاد بیهای سیاسی.

("تعرض مسلحانه ۰۰۰" کونیست شماره ۱۵)
 تا اینجا نام بصد کواست که دفاع مسلحانه بحق
 طبیعی هرنیزوئی است که مورد تعرض قرار گیرد
 اما پرسیدنی است چرا آقای عبداله مهتدی
 " وسائل سیاسی " را برای جلوگیری از " تعرضات
 مسلحانه بورژوازی کرد " کافی نمیداند؟ چون
 " تعرضات مسلحانه بورژوازی کرد " را امری
 حتمی میدانند و این حقیقت را نیز از خاصم مقابل
 این دنیوود می آورد . حال آنکه اگر رابطه
 حزب د مکررات و کومه له را بر مبنای ضرورتها ی
 عینی میارزه در شرایط کنونی د وستانه میدانست
 و " تعرضات مسلحانه " حزب د مکررات را امری
 غیر مسئولانه و اتقاق آرزوایی میکرد ، زمینه بحث
 را طرد دیگری فراهم می آورد . اما از آنجا که
 آقای عبداله مهتدی " د مبارزه سیاسی و
 طبقاتی در کردستان " رابطه حزب د مکررات و
 کومه له را برخلاف الزامات عینی جنبش د شفا نه
 میدانند ، نیازمند چنین مقدمه چینی است تا
 اثبات نماید کومه له " نیازمند " داشتن آمادگی
 کامل برای مقابله همه جانبه با هر سطحی از
 تعرض تهرآمیز بورژوازی " کرد است .

حمله سازمان یافته و برنامه ریزی شده از
 پایای پیشمرگان کومه له به پیشمرگان حزب
 د مکررات د ر شامگاه ۱۶ بهمن ماه سال گذشته
 نیز در راستای چنین موضع گیری خصمانه و
 آشتی ناپذیر صورت گرفت و نقطه تحولی **شوروی**
 در رگیه های گذشته که علی رغم برخورد های غیر

مسئولانه که ضربه د رگیه های گذشته میان
 این دنیو و میشده هنوز امکان توسل به راه
 حل سیاسی وجود داشت :

کومه له میخواست بمشابه نمایند هیرولتاریا
 کردستان با حمله سازمان یافته و برنامه ریزی
 شده از بالا به حزب د مکررات بمشابه **بورژوازی**
 کردستان ، این حزب را به تکلیف واداشته و
 پادست پر برای آتش بس پای **مکذ** اکره بنشیند
 و بدین ترتیب بود که کومه له بدعت شوم گذشت
 که در ادامه خود د رگیه های مسلحانه این د و
 نیرو را به سطح سراسر کردستان کشانید . اما
 این بدعت شوم نه نتیجه یک حادثه و واقعه بلکه
 برخورد غیر مسئولانه نظامی از طرف پیشمرگان
 بلکه نتیجه منطقی د سنگه فکری و بینش لیبرال
 - آنارشیستی کومه له بود که باعث گردن میارزه
 طبقاتی و درهم ریزی صفوف انقلاب و ضد انقلاب
 و **تعمیرات** و **تعمیرات** و **تعمیرات** خاص خویش
 در این چهارچوب نهادید و گرفتن الزامات جنبش
 جاری خلق کرد و زمینه ساز اصل جنگ خانگی
 کنونی گردید و بیگباره تاسی د ستاورد ها و ضایع
 جنبش را د رمعرض تاراج قرار داد .

حال از آنجا که بد وراز خود فریبی و عوام
 فریبی باید پذیرفت جنگ این دنیو و سلاح
 بردوش که همواره بر سر اعمال حاکمیت حتی بر
 سر کوچکترین مسائل بود و خواهد بود و د
 کومه له باید بپذیرد که باعث د دانستن جنگ
 طبقاتی د ر کردستان ، خلی کرد ، همرسانک

اختلافات بر سر حاکمیت درگیر شد اسلحه عمل
خواهد کرد نه سیاست .

واقعیت اینست که بر اساس ضروریات و
الزامات جنبش جاری خلق کرده اختلافات حزب
د مکررات و کومه له امروزه (و نه ما هیتا) باید فرض
به حساب آید . فهم این واقعیت از طرف
کومه له (صرف نظر از ارزیابی و تحلیل های غلطی
که چه از حزب د مکررات و چه از حزب ملی دارد)
آن عاملی است که میتواند زمینه اصلی درگیرها
بین ایند و نیرو را ازین برده و از تکرار آن جلو
گیری کند . البته فهم این مسئله از توان سیستم
نظری کومه له خارج است . با این همه امروزه
کومه له و قطع نظر از انگیزه های نادرست و
اهدائی که در نیال می کند و خواهان آتش بس
فوری است که باید با آن برخوردی مساعد و مثبت
داشت . در اینجاست که حزب د مکررات نیز باید
پذیرد ، بر اساس ضایع جنبش و در راستای پیشبرد
مبارزه حق طلبانه خلق کرد ، بدین توجه به
تحلیل این یا آن گروه سیاسی ضابطه کومه له و
قطع درگیرها ضروری است . **و اما بر این حسرت**
د مکررات راهی جز در پیش گرفتن مسالمت در جهت
حل اختلافات فیما بین در پیش روند ارد .

ما سر نظر از مواضع نادرستی که هر یک از
نیروهای درگیر در این جنگ خانگی از یکدیگر
داشته باشند خواهان قطع فوری و بدین قید و
شرط درگیرها هستیم . واقعیت اینست که این

د نیرو در عرصه سیاست کرد ستان در کسار
تود ه ها و در صف انقلاب جای دارند و عدم اتکا
آنها به سازماندهی اراد ه تود ه ای و اتکا ایشان
به نیروی سازمانی خویش و همچنین برخورد های
که معنائی جز نقض د مکرراتی را در بر نبرد از ضرورتا
نیاید اختلافات آنها را به مرحله ستیز نظامی
برساند و یا وقوع آنرا در سطح د ساز مان اجتناب
ناپذیر کند . (اعلامیه فاجعه اورامان ۲۰۰۰)
در خاتمه بازی کردیم به عقوله آزاد یهای
سیاسی و اینکه آقای جعفر شیعی در مقاله "سیا-
ست روین بونیستی ۲۰۰۰" مدعی شده راه کار گبر
با بیان مواضع مخالف است . ایشان در اثبات
ادعای خود جمله ای "ریگای کریکار" شماره ۱۶ را
که در جهت درگیرها میگوید : "۲۰۰۰ طرفین باید
از دست زدن به جوسازی تبلیغاتی علیه یکدیگر
که باعث تشنیت و تشنج هر چه بیشتر در روابط
فیما بین بویزه در حوزه روابط بیشترگان سازمان
یافته طرفین میگردند احتراز جویند" (تاکید از
آقای شیعی) نقل کرده و میگوید راه کارگر را
مخالف آزادی بیان و "افساحه نظرات و
سیاستهای کمونیستی" قلمداد کند . در اینجاست
باید بگوئیم اولاً همانگونه که از متن جمله برمیاید
"قطع جوسازی تبلیغاتی" از هر دو طرف درگیر
خواسته شده و ثانیا همانگونه که از ضمن جمله
بوی آید "در جهت عدم تحریک پیشموگان و
بقیه در صفحه ۴۲

دیده شود. روز اول ماه مه ۱۸۸۶، ۴۰ هزار کارگر صنایع نساجی دست از کار کشیدند. این حرکت سرکوب گردید، اما بدنبال آن تظاهرات و اعتراضات طبقه کارگر آمریکا شدت وحدت یافت که با گذشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران و اعدام چندین تن از رهبران آن در خسین نشست.

مبارزات طبقه کارگر آمریکا نسبت به مبارزات طبقه کارگرد دیگر نقاط جهان از برجستگی چندانی برخوردار نبود. اما اعلام روز اول ماه مه بعنوان روز همبستگی کارگران جهان در سال ۱۸۸۹ (در صد مین سالگرد انقلاب کبیر فرانسه) از طرف انگره موسس انترناسیونال دم و قبول آن از طرف کارگران سراسر جهان که بیانگر پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش کمونیستی جهانی است حائز اهمیت برجسته ای در تاریخ معاصر گردید. از آن تاریخ تاکنون طبقه کارگر در سراسر جهان روز اول ماه مه را بعنوان روز همبستگی گرامسی داشته و حرکات توده ای ناقوس سرنگونی نظام جهانی سرمایه را بصدا در می آورند. چرا که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه جهانی خصلتاً انترناسیونالیست است.

اما گرچه مبارزات طبقه کارگرد رهزنتطسه گیتی از لحاظ مضمون خصلتی بین المللی دارند ولی این مبارزات به لحاظ شکل ملی است. یعنی طبقه کارگر قبل از هر چیز باید حساب خود را با طبقه سرمایه دار در محدود ملی تسویه نماید.

اول ماه مه . . .

از همان آغاز پیدایش و تکمیل نظام سرمایه داری و طبقه کارگر نسبتاً به گورکن این نظام پایه عرصه مبارزه طبقاتی گذاشت. از آن زمان تاکنون طبقه کارگر که مبارزه اش علیه طبقه سرمایه دار نظام سرمایه داری موازی با زندگی آغاز گردید، بود مراحل رشد و تکامل گوناگونی را پیوسته و بهمن نسبتی که بورژوازی رشد می یافت، این تنها طبقه تا به آخر انقلاب نیز رشد و تکامل یافته و همرا با جهانی شدن سرمایه به یک طبقه جهانی تبدیل گردید. اما آنچه در مسیر رشد و تکامل طبقه کارگر اهمیت بسزایی داشته پیوند مبارزات آن با جنبش کمونیستی است. روز اول ماه مه یکی از مظاهر برجسته چنین پیوندی و نه در سطح ملی که در سراسر جهان پیوسته و هست.

روز اول ماه مه در جریان مبارزه کارگران آمریکا برای کسب روز کار ۸ ساعته شکل گرفت. در سال ۱۸۸۴ "قد راسین کار" یاد راسین اتحادیه های متشکل صنغی و کارگری آمریکا و کانادا اقطعنامه ای مبنی بر تعیین اول ماه مه ۱۸۸۶ بعنوان روزی که کارگران آمریکا روز کار ۸ ساعته را بر حله اجراء خواهند آورد، تدوین نمود و تصمیم گرفته شد که در این فاصله (۲ سال) یک مبارزه وسیع برای این امر تدارک

بد لایلی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تحت نظام سرمایه داری حاکم داری مسئله ملی خاص خویش می باشند .

خلق کرد نیز یکی از خلقها (ملل) تحت ستم ایران است که در جنبش حق طلبانه جاری خویش پیش از شش سال است برای احقاق حق تعیین سرنوشت خویش (در شکل خود مختاری آن) مبارزه می کند .

در اینجا مانگای به وظایفی که طبقه کارگر و کمونیستهای سراسر ایران در قبال مسئله ملی و جنبش خلق کرد دارند می افکیم تا در برتوجارپ تاریخی بپیندگان راه رهایی بشریت بتوانیم و در راه رهایی این خلق گام برداریم و بدین ترتیب ضمن تحکیم و تقویت انقلاب در راستای تحقق سوسیالیسم و بخش از وظایف انترناسیونالیستی خود را به مناسبتهای اول ماه مه و روز همبستگی جهانی پرولتاریا انجام دهیم .

اقتضای روابط مختلف خلق کرد حول مسئله ملی وحدت داشته و علیه تمام اختلافاتی که بر سر جگژی حل این مسئله دارند و در کار یکدیگر در جهت حل آن مبارزه می کنند . مسئله ملی همچون سایرین است که طبقات مختلف خلق کرد را بهم پیوند می زند . طبقه کارگر و کمونیستها

حلان نیز انقلاب پرولتاریائی تاکنون بطور عمده در کشورهای جداگانه بوقوع پیوسته است . و این خود بدلیل آنستکه مبارزه طبقاتی در هر کشوری خصوصیات ویژه ای دارد که طبقه کارگر و تابع کمونیستها که ضامنی جز منافع طبقه کارگرند از بدین توجه به آن خصوصیات نمیتوانند راه پرپیچ و خم و صعب العبور خویش را سمت پیروزی و تحقق آرمانهای والای بشری باز نموده و از این طریق وظایف انترناسیونالیستی خود را انجام دهند .

طبقه کارگر و کمونیستهای ایران نیز باید با توجه به ویژه گیهای مبارزه طبقاتی در این گوشه از جهان مبارزات خویش را در جهت استقرار سوسیالیسم و کمونیسم به پیش برد و بدین ترتیب بتوانند عهد ترین وظیفه انترناسیونالیستی خویش را به انجام برسانند .



یکی از ویژه گیهای ایران کثیرالمله بودن آن است . بنا بر این یکی از وظایف طبقه کارگر و کمونیستهای ایران عبارتست از سازگویی مناسب به مسئله ملی هر یک از این ملل و طبیعی است ملل مختلفی که در حال حاضر در چهارچوب این کشور در کار یکدیگر سر برنده هر یک

پیش بسوی سازماندهی هژمونی طبقه کارگر

کرد نیز باید نقش خود را در این جنبش همگانی و ملی - مکرراتیک و در راستای حل این مسئله ایفا نمود و بکوشند این جنبش را به باید اترسین و قطعی ترین نتایج در رابطه با حل ستم ملی که همانا سنگیری سوسیالیستی است و رهنمون شوند . برای نیل به این اهداف لازم است طبقه کارگر و کمونیستها واقعبینت و الزامات این جنبش را بشناسند و بر اساس آنها برنامه ریزی نمود و به فعالیت بپردازند .

این واقعیت که رهائی خلق کرد در بیونید بارهائی کارگران و زحمتکشان سایر خلقهای ایران میسر است دیگر نه تنها پین اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی مقبولیت عام یافته بلکه اکثریت اهالی کردستان نیز به این ضرورت دست یافته اند . بهمین دلیل نیز " خود مختار بعنوان شکل حرق تعیین سزوشته ، خواست همگانی خلق کرد شده است . طبقه کارگر و کمونیستهای کرد نیز با توجه به این واقعیت باید به وظایف خود اندیشیده و آنرا در عمل پیگیری نمایند .

وظیفه کمونیستهای کرد در چنین چهار چوبی و قبل از هر چیزه سازباند هی کارگران پشا به یک طبقه مستقل است . چرا که بدون ایجاد صف مستقل طبقه کارگر هژمونی پرولتاریا در انقلاب و از آنجا سنگیری سوسیالیستی اسری امکان ناید سر برود و بدون سنگینی سوسیالیستی نیز حل قطعی مسئله ملی خلق کسرد

ناممکن خواهد بود . اما کمونیستها که همواره با توجه به الزامات موجود در جامعه و برای رسیدن به اهداف خویش ، مبارزات ممکن و موجود را در جهت رهائی جامعه از قید ستم طبقاتی و ملی رهنمون میشوند باید تلاش نمایند صف مستقل طبقه کارگر را بر بستر مبارزات ملی توده های اهالی کرد ایجاد نمایند و این جز از طریق شرکت مستقیم و فعال در این مبارزات و سازماندهی مبارزات طبقه کارگر و مبارزات توده های اهالی امکان نابدیر خواهد بود .

اما وقتی صحبت از ایجاد صف مستقل طبقه کارگر کردستان به میان می آید باید توجه داشت که بنا بر وضعیت اجتماعی کردستان ، بخاطر گستردگی عمیق محدود و وسایات سرمایه داری محدود شدن آن به گسترش سطحی و عمدتاً در حوزه های توزیع تجارت و خدمات و آنهاست با سرعت و کمیت و کیفیت ، پائینتر از سایر نقاط ایران ، وضع طبقه کارگر کردستان از ویژه گیهای خاص برخوردار است . کارگران کرد ضعیف آنکه درصد پائینی از جمعیت خلق کرد را تشکیل میدهند ، بدلیل عدم وجود صنایع پایه ای و بزرگ عمدتاً بطور پراکنده و در واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک به کار مشغولند . از نظر سیاسی نیزه هم بدلیل پراکندگی ، هم بدلیل لیل منشا و خاستگاه طبقاتی (عمدتاً روستائی) و همچنین بدلیل عدم وجود سابقه مبارزاتی طولانی ، طبقه کارگر کردستان خود به تنهایی (نه به لحاظ ماهوی)

بلکه بدحافظ عینی دارای توانمندیهای لازم برای
تأمین همزمنی خویش و پیشبرد امر مستقیم سوسیالیستی
سوسیالیستی نخواهد بود. بویژه اگر این واقعیت
انکار ناپذیر را قبول کنیم که طبقه کارگر، با چنین
خصوصیاتی، در ریطقه ای باید به وظایف خویش
عمل نماید که اکثریت اهالی آنرا از حاکمان و نیمه
پرولتاریا تشکیل میدهند و برای این اکثریت قبل
از هر چیز مسئله ملی مطرح است. در چنین
شرایطی طبقه کارگر کرد میتواند با بهره گیری
از امکانات طبقه کارگر سوسیالیست و استفاده
از تجارب تاریخی آنها وظایف خویش را پیش ببرد
کمونیستهای کرد نیز بنا بر الزامات واقعی
جنبش کردستان میتوانند و باید در پیوند تنگاتنگ
با کمونیستها و کارگران سراسر ایران بقدرت
براتب بالا تردد یافته و طبقه کارگر کردستان
را در جهت پیوند با کارگران دیگر خلقهای ایران
رهنمون شوند. وحدت کمونیستها و طبقه کارگر
خلق کرد با کمونیستها و طبقه کارگر
ضمن آنکه جنبش کمونیستی و جنبش طبقه کارگر
سراسر ایران را تقویت خواهد نمود، آن حلقه
را بطی خواهد بود که جنبش ملی - دیکراتیک
خلق کرد را به جنبش کمونیستی - کارگری خلق
های سراسر ایران پیوندی زند. بنا بر این
کمونیستهای کرد ضمن تلاش برای وحدت
جنبش کمونیستی سراسری باید این واقعیت را
برای توده های هر چه وسیعتر کردستان و در
راس آنها طبقه کارگر روشن نمایند که تنها رهبری

طبقه کارگر میتواند حقوق حقه خلق کرد را بطور
واقعی تأمین و تضمین نماید. چرا که تنها طبقه
کارگر و نمایندگان برحق آنها یعنی کمونیستها
عمیقاً به دیکراسی یا بیندند و از آنجا که رهائی خود
و خلقهای تحت ستم را در راستای سوسیالیسم
می بینند میتوانند نقش ارزنده ای در جنبش خلق
کرد و در جهت رهائی و بهبود شرایط و
ارتقاء زندگی خلق کرد نمایند.

اما اگر طبقه کارگر و کمونیستهای کردستان
در پیوند با جنبش کارگری - کمونیستی سراسر
ایران میتوانند خود را از توان فوق العاده برتری
در راستای کسب رهبری این جنبش در جهت
سوسیالیستی و جنبش ملی - دیکراتیک
خلق کرد را از پشتیبانی عظیم توده های کارگر و
کمونیستهای سراسر ایران بهره مند نمایند و
بدین ترتیب تضمینی واقعی برای حل مسئله
ملی فراهم آورند، باید دید طبقه کارگر و کمونیست
های سراسر ایران (مجموعه کردستان) چه
وظایفی در قبال جنبش خلق کرد دارند.

اتحاد پرولتاریا با خلقهای تحت ستم و
مجموعه کردستان و یکی از پایه های اساسی
تأمین همزمنی پرولتاریا در ایران است. بهمین
دلیل، از نظر این اگر پرولتاریا نتواند مهر خود را بر
جنبش ملی - دیکراتیک خلق کرد بگذرد و آنرا
تحت همزمنی و رهبری خود قرار دهد و این جنبش
بزیور همزمنی بورژوازی رفته و عملاً را بجائی
نخواهد بود. تا اینجا اگر فرض کنیم که طبقه کارگر

و کمونیستها - بهر صورت و شکل - دولت مرکزی را رد می کنند ، قاعد تاریخوی جنبش خلقی کرد (که در نرض با پرروازی است) به قدرت پیروان را تمکین نکرد ، خواهان استقلال کرد شد ، خواهند شد و گرایش جدائی طلبی از خلقهای دیگر را به میان تود ه هابرد ، و آنرا تقویت خواهد نمود در اینصورت کمونیستها که در رهبر شرايطی عمیقاً به حق ملل در تعیین سرنوشت خویش اعتقاد دارند علیرغم آنکه خود اصولاً با تجزیه و شقه شقه شدن ملتها و طبقه کارگر آنها موافق نبوده و محترم آنکه استقلال کردستان را به نفع خلق کسرد نمی دانند و به افشای آن خواهند پرداخت ، اما بهر حال حق تصمیم گیری در مورد سرنوشت خلق کرد را به عهد و خود این خلق می دانند . بدینتر تیب از طرف جنبش کمونیستی - کارگری خلقهای دیگر مناطق ایران در مقابل سواستفاد ه پرروازی از حساسیت تود ه های اهالی آن مناطق نسبت به مسئله تمامیت ارضی (احساسات شومنیستی) ، به انزوا کشید ه شده و وزیر ضرب فرار خواهند گشت و از طرف دیگر کمونیستها و طبقه کارگر خلق کرد با ازدست دادن متحدین خود در سراسر ایران تضعیف شده و عملاً در مقابل پرروازی کرد ناتوان شده و از پیشبرد برنامه های خود باز خواهد ماند . تا همینجا روشن است که صرف نظر از این واقعیت که اصولاً پرروازی نمیتواند جنبش خلق کرد را به پیروزی برساند ، استقلال خلق کرد در نهایت به دشمنی

میان خلقهای ایران د این زد و بند یثرتیب را به بهایش این خلق قهرمان - که امروزه مسرود یشتیبانی بی دریغ تود ه های کارگره زحمتکشان و روشنفکران انقلابی سراسر ایران است - هر چه مشکلتر خواهد شد .

از سوری دیگر طبقه کارگر نتواند در جهت اتحاد با جنبش خلق کرد یا سخن در خور به مسئله ملی آن بدهد ، خود از انرژی بیکرانی که در جهت تحقق آرمانهایش بسزائی دارد ، محروم خواهد ماند . چرا که جنبش جاری خلق کرد وزن بالائی در جنبش د مکرانیک - انقلابی ایران داشته و طبقه کارگر و کمونیستها ضمن آنکه موظفند برای پیشبرد این جنبش در راستای حل قطععی و انقلابی مسئله ملی ، با آن متحد شوند . محسوق نیستند جنبش کارگری - کمونیستی را از جنبش اتحاد د متحدی محروم نمایند .

جنبش خلقهای ایران در رجه اول جنبش خلق کرد انرژی بیکرانی را در اختیار طبقه کارگر و کمونیستهای سراسر ایران قرار می دهد و جنبش کارگری - کمونیستی سراسر ایران (شامل طبقه کارگر و کمونیستهای کرد) پشتوانه قابل تکیه ای برای دستیابی خلق کرد به رضائی است . از اینرو باید برای پیوند هر چه بیشتر این دو جنبش کوشید و بر این پایه بنیان جامعه ای عاری از سترواستشار طبقاتی ، رایج ریخت و بد یثرتیب عملاً به فراخوان اول ماه مه پاسخی مثبت داد .

اصول راهنمای ما . . .

۱۰۰۰ اول حزب د مکررات و کومه له است که با عطف توجه به اصول که میتواند راهنمای ما یان د رگیرها و جلوگیری از تکرار آنها باشد و با پایبندان دادن بلافاصله به این د رگیرها و تلاش برای تحقق چنین امری، با اعمال تکنیک به اراده توده نهاد رحل اختلافات و احترام به آزاد بیهای سیاسی برای هر نیرویی و با دامن نزدن به تملیقات کوره زمینه حل قطعی چنین ناچسبه های از بین ببرند. در این بین بدیجیشن د خالت موثر نیروهای حاضر د ر عرصه مبارزه کردستان از طرف حزب د مکررات و کومه له نقش مهمی د ر دست یابی به اهداف فوق خواهد داشت.

تفویت جنگ . . .

مواد اران هر د و نیرو برای جلوگیری از د رگیری های احتمالی ناخواسته، د دعوت به آرامش و ایجاد فضای مناسب برای برخورد های سیاسی اصولی عنوان شده. اما اگر بزعم آقای جعفر شنبصر، کومه نه ای جوسازیهای نظیر تهدید کردن به قطع دست از بازوی نیروی مقابل (بشیوه لایحه تصاص) و تحریک پیشروگان برای زمینه سازی ایجاد د رگیرها هر چه وسیعتر " سوسیالیسم و کمونیسم و سیاستها و تاکتیکهای کمونیستی" و مخالفت با چنین جوسازیها و تهدید ساتی بجای تلاش واقع برای پایان دادن به د رگیری به معنی مخالفت با سوسیالیسم است و پس وای بحال چنین سوسیالیسم کذاشی ای!





محمد ود من از یارانش به دنبال يك محاکمه پشت پرده درمیدان "جوارجرای" مهاباد به درازآویخته شدند. شهادت قاضی ویارانش هر چند که برای خلق کرد همچون ضایعه از دست دادن رهیوان خوش درنگ بود، لیکن استقامت و ایامردی آنان که درین خود شهادت بی غرور آفرین را بدنیال داشت، بعنوان بشرگی درین در تاریخ مبارزات کرد ستان برای همیشه به ثبت رسید. قاضی به عنوان سمبل یا پیر نی و استواری در مبارزه برای خلق خویش جاودانسه شد.

معمولا مبارزات خودهای در برجسته ترین

شکلی و خود را در وجود و شخصیت رهیوان مبارزاً مینمایند و زاینرو در هر مبارزه و انقلابی رهبر و یا رهیوانی بیان و جسم آن جنبش هستند. قاضی محمد نیز از زمره این افراد بود. وی به عنوان اولین و برجسته ترین رهبر مبارزات یکبار چه در مکرراتیک خلق کرد ایران برای کسب حقوق ملی خویش و تجسم مبارزات اوایل دهه ۴۰ کرد ستان ایران است. از همین روشنگر جدای از استقامت و دلایری خویش، بعنوان يك شخصیت مبارز و قهرمان ملی در تاریخ مبارزات خلق کرد در یاد همه دستداران سرزیر است این خلق جایگاه ویژه ای دارد.

برجستگی هر رهبر و یا قهرمان ملی را گذشته

از نقش و جایگاه عمومیش در مبارزات ملت خویش در حوزه های خاصی باید جستجو کرد. در مورد

... مرا اعتماد کنید، لیکن به خلیف، تسوئین نکند...
 ۱۰ فروردین مصادف با سالگرد شهادت قاضی محمد قهرمان ملی، رئیس جمهور محبوب کرد ستان خود مختار و رهبر حزب د مکررات کرد ستان و همزمانش، سیف قاضی وزیر دفاع جمهوری و صد قاضی نماینده مردم کرد ستان در مجلس ایران است.

۸ سال پیش در چند روزی بدنیال شکست جنبش ملی و اشغال منطقه خود مختار و شهر مهاباد پایتخت این جمهوری نویسیا دست نیزه های رژیم د یتاتوری پهلوی، قاضی

است . از تشریحات مفصّلی که نبود پیوند بین مبارزات خلق کرد با خلیفهای ایران ، کم بهادان به وجه طبقاتی آن مبارزات و خواستهای خلق کرد برسز نوشت جنبش داشت ، باید درس گرفت ، با اعتقاد به اینکه رهایی خلق کرد تنها در پیوند با مبارزات سراسری خلیفهای ایران عملی است و هیچ رژیم ارتجاعی نمیتواند حقوق خلق کرد را تامین نماید و با عمل کردن به نیازها و الزامات وجه تعمیق - طبقاتی - مبارزات خلق کرد و اتکاء به تشکلهای توده ها و اراده های آنان میتوان نقائص گذشته را برطرف کرد و راه آنان را باروشنی و قاطعیت هرچه بیشتر طی نمود . بسا همه این وجود قاضی محمد به ناپایمردی و استقامت در مبارزه ، اعتقاد و اعتماد به توده ها و امیدواری راستین به آینده نیک و بیروز مبارزه را آموخت .

همچنان که خود به بهترین وجهی این خصائل بازر را در سخنان خویش در آخرین دقایق زندگی اش در ریای چوبه داره چنین بیان میکند باو خطاب به مزدوران گت : " ۰۰۰ بروید به شاه و به اربابان بگوئید که با اعدام و سرکوب ممکن نیست بتوان جلوی مبارزه خلق کرد را که بصراست آزاد زندگی کند بگیرد ، اگر شما بقیه در صفحه ۲۷

قاضی محمد نیز چنین است آنچه که پیش از محمد نقض و خاطره او را برجسته و باود ان عیسازد استقامت و یایداری او در دفاع از توده ها ، ند اکاری در راه آنها تا پای جان و ایمان بقدرت لایزال آنهاست . قاضی محمد همچون رهبری وفادار در روش توده های خلق خود در تمامی عرصه های نبرد و تلاش شرکت داشت و تا آخرین لحظات حیات جمهوری و اعتلای جنبش در راه آن برای تدایم مبارزه و دستاوردهای آن کوشید و در زمانی که خصم برانقلاب چیره شد خلق خود را به جای نگذاشت ، در کسار آنها ایستاد و با ارزش ترین داشته خویش یعنی جانش را نثار توده ها و انقلاب کرد . قاضی باخون خویش یا یبردی و استقامت تا به آخر خود را به اثبات رساند و بدین وسیله سنی شراستمنده را برای همه مبارزین کرد بیاد گر گذاشت .

اکنون در آستانه شهادت این بزرگ مرد آن آنچه به بهترین وجهی یاد آنها را زنده نگه داشته و وفاداری ما را به آنها نشان خواهد داد ، در همین برخورد صریح و دقیق به کمبود ملاحظه های جنبش آند و به درسگیری از نقاط برجسته آن و آموختن از دستها و خصائل با ارزش انقلابی بجای ماندن آنان مردان بزرگ

خود مختاری حق مسلم خلق کرد است

نوطئه تسلیح . . .

۱۰۰۰ اردست زدن به رخشینه ترین یوزر، به نیروی پیشمرگه و کشتار انجالی بید فاع گرفته تا اعمال انواع فشار بر اهالی منطقه تماما اجزا این برنامه ضد انقلابی است که مردم کردستان بایند باآمانگی و هوشتیاری کامل باآن برخورد نمایند تا هرگونه سیاستی که از سوی رژیم در این رابطه اتخاذ می شود راد مضطغه خفه کرد و شکست ها د یگری را برآن تحمیل کند .

د رگیر بودن رژیم در عرصه های گوناگون و نیاز مستمر آن به تامین نیرو برای پیشبرد سیاست های سرکوبگرانه اش وی را برآن میدارد که بسه انحاء مختلف برای تامین این نیرو تلاش کند . تقابل دائمی مردم با رژیم ود نتیجه ه کاشش د ائی توان بسیج نیروی رژیم بریارینین شکستی همواره افزود و این پست رژیم را هرروره آشکارتر میکند . اما رژیم فقهانیز عیشه برای خنثی کردن این مشکلات و تامین نیازهای خود تلاش کرده و وسیله های مختلف راد را این رابطه یکسار میگیرد .

مشکی د یگر رژیم د کردستان که انجالی آن هیچگونه تمکنی به حاکمیتش نمیکنند تا توانی د راعمال حضور را استقرار راین منطقه است . گرچه د رجنیی شرایطی اعمال حضور بسادگی قابل دست یافتن نیست اما رژیم نیز براحتی

از این هدف خود دست برنمیدارد و جسراکه جنیی کاری بمعنای دست برداشتن ازادامه حیات جنایتکارانه اش است .

نیاز رژیم به نیرو و همراحتر ضرورت اعمال حضور برای آن و مزد وران اشغالگورژیم رابسه اتخاذ سیاستهای وامیدارد که هراز چندگاهی سربلند کرد و بیکی از مسائل روز کردستان یا بختی از مناطق آن تبدیل می شوند . این سیاستها همه باشکست مواجهه شده است ولی مزد وران نیز همیشه بدنبال اتخاذ سیاستهای جدید بود و هرزمان که لازم بد سیاستهای شکست خورده قبلی را کماکان بهطن شکل یا به اشکال جدیدی دنبال مینمایند .

بزرور مسلح کردن اهالی آباد بیاه بسیج گیری اجباری از جمله حیلده های است که تساه کتون توسط عوامل رژیم د راینجا بکار برد ه شده و بوجرات میتوان گفت که تک تک آنها تا بحال با شکست مواجه شده است . مردم روستا های متعدد دی د ر مقابل تسلیح اجباری دست بسد مقاومت زدند و بس از تحمیل تسلیح نیز دستاز مبارزات خود برند اشتمد تا اینکه یا سلاح خود را پسدادند و یا احتی رژیم ناگزیر از خلع سلاح و باز پس گرفتن آن شده است . همکاری همسای بیستمار بزرور مسلح شده ها با پیشمرگان و بوستتفا به صغوف آنها د رخنش کردن این حیلده نقش مهمی داشته است . د یگر این سیاست مستعد م کار آیی خود را بوضوح نمایان کرد و است ه گرچه

رژیم هنوز هم آنرا بعنوان یکی از شیوه های پیشبرد اهدافی که در بالا بدان اشاره کردیم دنبال میکند. سیاست بسنج گیری اجباری نیز با سرنوشتی مشابه تسلیح اجباری اهالی روسرو شده و مقاومت در برابر این سیاست و همکاری چنین بسیجی هایی با پیشمرگان و تبدیل شدن کانون های تجمع بسیج های اجباری به مراکز ضربه پذیر دشمن از عوامل خنثی کننده این سیاست بشمار رفته اند. سرساز گیری اجباری و یکی دیگر از حلقهات این زنجیره سیاستها بود که آنها بی شعور خود را نشان داد و مقاومت اهالی به شیوه های مختلف هم در خود داری از رفتن به سرساز و رزم کک به سرسازان فراری و حتی اعتراضات و تظاهرات یکپارچه زن و مرد و بیرون جوان اهالی در برابر این سیاست و مردوران رژیم را با تانکهای روبرو کرد و است.

رژیم از بیچیک از سیاستهای شکست خورده خود دست برنداشته و کماکان بر روی آنها پساندازی میکند اما تانکهای های متعدد و آنرا برای این میدان که اشکال جدید و نیرنگ های نوینی را در این راستا بکار برد. طرح مسلح کردن جوانان قبول و بخدمت رژیم در آوردن نشان در منطقه به جای اعزامشان به جبهه، باز از آخرین نمونه نیرنگ های رژیم بشمار میرود. اخیراً مردوران رژیم در روستاهای از مناطق مرکزی و جنوبی کردستان به اهالی فشار آورد و است کسه جوانان باید برای انجام خدمت سرساز به

جبهه ها بروند و اینکه بجای آن اسلحه ها بوداشته و در منطقه بخدمت رژیم مشغول شوند. مردم این روستا ها را کتر موارد به مقاومت در برابر این سیاست پرداخته و از تن دادن به تسلیح اجباری به هر شکل آن سرساز زد و است و مردوران رژیم نتوانسته اند به موفقیت چندانی در این باره دست یابند.

این حيله جدید رژیم بی شك گواه شکستها متعدد رژیم در مورد تسلیح اجباری میسرود کردستان است. روحیه بالای انقلابی مردم و عدم تمکین آنها به رژیم فقها در عرصه های مختلف و دست بردن به سینه مردوران در مقابل تمامی سیاستهای زورگویانه و ضد بشری رژیم و بطور اخص مقاومت های مختلف آنها در برابر اشکال متفاوت سیاست تسلیح اجباری و هم چنین شیوه جدید مطرح شده بوسیله مردوران جمهوری اسلامی برای تسلیح آنها بخوبی نشاندهنده این واقعیتی باشد که دشمن توانایی اعمال سیاست جدید خود را نداشته و بی گمان این سیاست هم چنین ضایعات قبلی با شکست مواجه خواهد شد. اما اکتفای صرف به این امر میتواند در به شکست کشاندن این سیاست تاخیرهایی ایجاد نموده و ولطعاتی به خلق کرد و وارد کند. در موارد قبلی نیز تاخیر را تخاند سیاستی موثر و فعال به نتایج زیانباری منتهی شد و آنرا زنجیرهای از جنس، ربه هرزداد.

برای مقابله با شکل جدید سیاست تسلیح

اجباری باید به سازماندهی مقاومت توده‌های در برابر آن پرداخت. قبل از هر چیز باید اهداف و شیوه رژیم را در دنبال کردن این سیاست‌ها وسیعاً تشامود و برای مردم توضیح داد که عقب نشینی در این مورد زمینه ساز تموضات و اجحافات بعدی رژیم خواهد بود. تن دادن جرنلیان به این سیاست یناگریر آنها را در مقابل پیشمرگان تزار خواهد داد و نتایج مخرب این امر را باید برایشان روشن نمود. جوانان کردستان را باید برای مقابله با این سیاست آماده نمود. اعتراضاً و مقاومت‌های اهالی از پیرو جوان وزن و مرد در برابر تسلیح جوانان نقش موثری در خنثی کردن حیلۀ جدید رژیم ایفا مینماید. باید از هرگونه یاری رساندن به جوانان برای ترفتن به سرپازی و خرید دارن از مسلح شدن اجباری خودداری نکرد. و اهالی را برای خفه کردن این سیاست در منطقه بسیج نمود.

بیماد قاضی و . . .

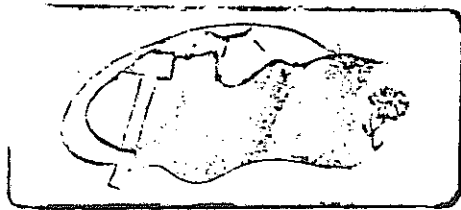
... است اعداد کمید، لیکن در آئند ه خیلی نزدیک صد ها و هزار ها پیشمرگه د یگری که از قاضی محط نیز قاطع ترند از این خاک سر بلند خواهند کرد و کوششهای شطبه معنی سررا به سنگ کوبیدن است. ... زند ه باد پیشمرگه های راه آزادی کردستان و واقعا چه ساد ه

حقیقت را بیان کرد، قاضی . دیدیم که پسران شهادت او همچنان خلق قهرمان کرد مبارزات خود را ادامه داد و اکنون پس از گذشت سالیان دراز با عبور از بیخ و خمهای سخت و شوار همچنان راه این مبارزه قهرمانانه و عادلانه را در ریش دارد و هزاران فرزند برومند این آب و خاک سلاح قاضی و قاضی هارا به دست گرفته و قاطع تر و با تجربه و آگاهی بیشتری به رژیم خود ادامه میدهند و کردستان خود مختار و انقلابی را برای خلق خویش به ارمغان میآورند.

در پایان برای زند ه نگاه داشتن زیاد و خاطره قاضی و یارانش، هیچ چیز بهتر از نقل بخش از سخنان او، آخرین جلاتش در روایسی و قایتق زندگی اش نیست.

... به حکومت ایران باور نکیست و فریب حرفها و وعده های آنان را نخورید، در راه آزادی و سعادت خلق کرد به مبارزه تان ادامه دهید، زند ه بساد کرد ست.

آزاد



عملیات قهرمانانه پیشبرگان در منطقه آآن

پایگاه "برده رش" در زیر ضربات کوبنده پیشبرگان!

روز ۱۶ / ۱ / ۲۶ پیشبرگان قهرمان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) طبق طرحی که در یسی شناسایی دقیق از پایگاه "برده رش" در منطقه آآن صورت تهیه کرد و خود را به نزد یکی از این پایگاه رساندند. پیشبرگان به دود سته تقسیم شد و هر دو سته در نقاط از پیش تعیین شده مستقر گردیدند. ساعت ۸ / ۵ بعد از ظهر بدستور فرمانده ویا شلیک اولین موشک آر بی جی عملیات آغاز گردید و پیشبرگان با کلیه سلاحهای خود سنگرها و تماشای پایگاه را بجزیر آتش خون گرفتند. در اثر اصابت یک موشک آر بی جی یکی از سنگرهای اجتماعی دشمن و کلیه مزدوران داخل سنگر کشته و زخمی شدند و آتش بی امان سلاحهای پیشبرگان، مزدوران مستقر در پایگاه را سراسیمه کرد.

مزدوران که توانایی مقابله را از دست داده بودند سراسیمه به این سو و آنسو میگریختند و سرازیدند. بروشن کردن اطراف پایگاه با گلوله های منور برید اخته و دیوانه و ارباب انواع سلاحها نظیر آر بی جی و کالیبر ۵۰ و رشک و خمپاره اندازهای مختلف و اطراف خود را می کوبیدند. مزدوران از پایگاههای اطراف تقاضای کمک کردند و پایگاههای اطراف به کمک مزدوران مستقر در این پایگاه شتافته و در ویران و محلا استقرار پیشبرگان را بجزیر آتش توپ و خمپاره خود گرفتند. در پیگیری مدت یک ساعت ادامه داشت و شدت تعرض پیشبرگان بعدی بود که دشمن بدین توقف از سه نقطه با آتش مداوم خمپاره و آر بی جی محلا استقرار پیشبرگان را می کوبیدند.

پیشبرگان پس از پایان عملیات، بطور منظم عقب نشینی کردند ولی مزدوران تا نیم ساعت پس از آن همچنان به توپ و خمپاره باران خود ادامه دادند.

پیشبرگان قهرمان همگی سالم از منطقه درگیری خارج شدند و خود را به روستاهای منطقه رساندند و مورد استقبال گرم اهالی قرار گرفتند. این عملیات تا شایر بسیاری بر روی مردم منطقه گذاشته و اهالی روستاهای

مختلف و پیشمرگان را مورد استقبال گرم و تشویق خود قرار میدهند.

شدت تلفات وارده بر دشمن بعدی بود که صبح روز بعد، جاسهاود یگرمزد و روان مستقر در ایگامهای منطقه به چند بیروستا از جمله دیناران، بناوه و سنجوه، هجوم آوردند و با دست زدن به تیراندازی دروایی سعی در رعب اهالی داشته و دست به تهدید مردم زدند تا آنها را از کمک رسانی به پیشمرگان باز دارند.

تعرض پیشمرگان به پایگاه نوره

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر روز ۲۲ / ۱ / ۶۴ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به پایگاه نوری شمیک از نزدیکترین ایگامهای منطقه آران حمله کردند. در طی این عملیات که نیم ساعت بطول انجامید پیشمرگان قهرمان، پایگاه موزد و روان مستقر آنرا بزیر آتش آری، جن و مسلسلهای خود قرار داد و موزد و روان را بشدت غافلگیر کرد و بودند موزد و روان که روحیه خود را از دست داد و بودند و ابتدا شروع به تیراندازی بی هدف کردند و در عین اینکه آتش بی امان سلاحهای پیشمرگان همچنان ادامه داشت، موزد و روان به انواع سلاحهای خود متوسل شده و با خنجر و موشک باران منطقه سعی میکردند که محل استقرار پیشمرگان را بکوبند. پیشمرگان درینا سنگرهای مقاوم، همچنان به تعرض خود ادامه دادند و دشمن را در زیر آتش خود قرار میدادند و دشمن در اثنا گلوله باران خود را تشدید میکرد. پس از پایان مدت عملیات بدستور فرمانده عسکری پیشمرگان بطور منظم دست به عقب نشینی زد و همگی خود را سالم به جایگاههای زایش تعیین شده رسانند. از میزان تلفات و ضایعات وارده بر دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

برقرار باد جمهوری دیکراتیک تو، ای!

پیروز باد مبارزات عاقلانه خلق کرد!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۴ / ۱ / ۲۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

در اول ماه مه ۱۸۹۰ء هنگامیکه برای نخستین بار مراسم روز جهانی کارگردان انگلستان برگزار میگردد ، فردريك انگلس آموزگار بزرگ زحمتکشان جهان نیز که آن موقع هفتاد و سال داشت در مراسم راه پیمائی شرکت داشت . قطعه شعر زیر را این رابطه سرود شده است :

چراغ راه



هفتاد ساله آموزگاری بزرگ برخاست ،

تسابه کارگران پیشامزده

چگونه لندن چتلمن

شیکاموی معطر

و

پاریس دست داشتی

همه با هم ، دست درجیب کارگران دارند!

هفتاد ساله مردی عاشق

پیشاپیش کارگران

پیشانی بلندش را بالا گرفت ،

تا روز اول ماه مه

آفتاب نه از کج

که از کارخانه سرزده باشد .

هفتاد ساله مردی آموزگار و عاشق برخاست ،

چراغ راه شد ،

چراغی ظلمت کارگاه شد ،

پیش در آمد طرفی سخن

در روز اول ماه مه شد .

سرود ، میک ریفتی هوان از

اخباری از جنبش کارگری و تنوذهای سراسری

به نقل از نشریات منطقه ای وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

تخصیص یک هفته کارگران کارخانه
چشم سازی

بعد از ظهر بار سال همپول نا هاری گرفتند بمنوا
سنت امسال همه به آنهای د هند . از این حرف
بی معنی هیچیک از کارگران قانع نمی شوند ، تا
ایشکه تصمیم میگیرند مستقیما مساله را با مد یو د ر
میان بیگ آرند ، همه کارگران بطور دسته جمعی
کار را تعطیل کرد ، و بطرف اتاق مد یو مکتبی
کارخانه که د انشجوی جوانی است حرکت میکنند
مد یو از حرکت کارگران د ستیاجه شده ه ود ررا حکم
بهم می گوید و از داخل آنرا قفل می کند . وقتسی
کارگران این نظره مسخره رای بینند هطنجا
تخصیص می کنند . بعد از چند دقیقه مد یو را بطی
رانزد کارگران میفرستد و مطرح میکند که نمایند ه ای
ازین خود تان انتخاب کرد ه و برای مد اگره
بفرستید . کارگران که به نیت مد یو پی پسرند

کارخانه چرم سازی د مالکیت د ولته قرار
ه فرم یک مد یو مکتبی وظیفه استوار و سرگرم
کارنزان را د راین کارخانه بجهت ه د ارد چند
روز از ما د رمضان گذ شته بود که پول نا هار شیفیت
بعد از ظهر را برد اخت می کنند ولی از برد اخت
پول نا هار شیفیت صبح خمیری نبود . کارگران
بصورت پراکند ه و انفرادی سرپرست را تحت فشار
قرار دادند تا اقد او د راین مورد بکند . مگر که ام از
کارگران از کار سرپرست می گذشت د رانمورد چند
کلب صحبت میبرد تا اینکه سرپرست تحت فشار
کارگران کلافه شده و با مد یو کارخانه موضوع
را د رمیان می گذارد ولی مد یو هیچ توجهی به این
مساله نمی کند . د و باره کارگران به سرپرست
نشار می آورند . سرپرست می گوید که چون شیفیت

بودند باز انتخاب نمایند و اجتماع کرد و توطئه
 مدیور را خنثی می کنند • کارگران احتمال میدادند
 که اگر نمایند ه ای انتخاب کنند و مدیور او را مورد
 تهدید قرار داد و ممکن است خواسته شان
 تامین نشود • حدود يك ساعت می گذرد و کارگران
 به تحصن خود ادامه میدهند • پس از گذشت
 این مدت و مدیور مجبور میشود در جمع کارگران
 حاضر بشود • بعد از سخنرانی بی ربط و مختصر
 قول مساعد جهت پرداخت چهار روز را میدهد
 و بقیه را به بعد موکول میکند • کارگران بعد از
 گرفتن قول مساعد و بشرط اجرای آن محل را
 ترک می کنند •

(به نقل از "خبرنامه" کارگران انقلابی غسرب
 تهران - مرداد ماه - وابسته به سازمان)

اعتصاب غذاد رکارخانجات صنایع نظامی تهران

صنایع نظامی از زهره وابسته ترین صنایع
 است که به مدد جنگ افروزیهای رژیم قحطسال ز
 فعالترین و پرکارترین صنایع ایران می باشد • این
 صنایع که بطور عمد به کشورهای امپریالیستی
 عضو پیمان ناتو به خصوص به آلمان غربی وابسته
 است و انواع تجهیزات نظامی را با نظارت مستقیم
 متخصصین آلمانی تولید می نماید • اکثر کارخانجات
 نجات تسلیحات ارتش دارای سابقه طولانی
 هستند و برخی کارخانجات نیز از بعد از قیام

تاسیس شده اند و از جمله کارخانه باطرسازی
 نیر • این کارخانه در حد فاصل جاده ساوه و
 شهریار واقع شده است و حدوداً ۴ سال است که
 مورد بهره برداری قرار گرفته است • این کارخانه
 علاوه بر تامین نیازهای داخلی و تولید آتش را
 به خارج نیز صادر می کند • در تاریخ ۷ مهرماه
 ۶۲ و کارگران این کارخانه مطلع می شوند که
 قیمت غذای روزانه که از حقوق کارگران کسر
 میگردد ۸ تومان به ۱۰ تومان افزایش یافته
 است • کارگران در اعتراض به این تصمیم از روز بعد
 اعتصاب غذا نمود و از خوردن غذا با این قیمت
 خودداری مینمایند • مدیوران مسئولان کارخانجات
 خانه که همگی نظامی هستند و برای جلوگیری
 از تداوم این حرکت جمعی کارگران که نشانده
 اتحاد و همبستگی آنهاست می کجی کارگران به
 اخطارهای قبلی مدیوریت که مجازات هرگونه
 اعتصابی را در شرایط جنگی اعدام^{اطلم} کرده بودند و
 به تکاپو افتاد و با صحبت با کارگران سعی میکنند
 اعتصاب را به انحراف کشید و در هیوان حرکت
 اعتراضی کارگران را شناسائی نمایند • کارگران تا
 روزه شنبه ۱۲ مهرماه به اعتصاب خود ادامه
 میدهند و از این تاریخ به بعد به خوردن غذا
 با قیمت ۱۰ تومان تن میدهند •
 (از گزارشات ارسالی نشریه "اتحاد کارگران"
 جنوب غربی تهران - وابسته به
 سازمان)

تقاومت کارگران

چیت بافندگی

د راواخرآبان ماه از طرف کارگران چیت بافندگی اعلامیه ای بروی تابلوی اعلانات سالی نصب شده بود که در آن از کارگران خواسته شده بود که از خریدن غذای کارخانه خودداری نمایند. این دعوت به تحریم خریدن غذا بدین خاطر بود تا بدین ترتیب راجبوریه دایه غذای گم و سالم بجای ماند و جیبهای اغلب فاسد بنمایند. فردای آن روز این اعلامیه توسط انجمن اسلامی پاره شد. لیکن در باره یک اعلامیه دیگر با همین مضمین زده شد و واکنس کارگران بسیار خوب بود بطوریکه از آن تاریخ به بعد کارگران از خریدن غذا خودداری میکردند. همچنین اعلامیه های مبنی بر دعوت از کارگران سایر تصنها برای همبستگی با قسمت بافندگی در قسمت زده شد که مسورد پشتیبانی تمام کارگران توارگزیت آنچه سن و مدیریت نتوانستند این اعلامیه را پاره کنند. نیز در تاریخ ۲۴ آگست ماه مدیروا عمل صدیقی) بخشنامه ای صادر کرد که در آن آمد به بود پنجشنبه طبق معمول (یک هفته در میان) کار است و شنبه بعد که روز ۲۸ صفر می باشد تعطیل است و بجای آن در آخر سال برای تصنیف شدن تعطیل یک هفته در میان حسابداری این روزکار را حساب خواهد کرد.

کارگران شیفت ایخشنامه رایاره توبه و میگیرند از آنجا که پنجشنبه آیند و تعطیل رسمی است ما این هفته را تعطیل می کنیم. مدیروا ملر عقب نشینی می کند و پنجشنبه را تعطیل اعلام مینماید ولی در همین حال متذکر میشود که بعد از ۲ صفر ۲ پنجشنبه پشت سرهم کار باید صورت گیرد. تمامی کارگران دست به اعتراض زدند و می گویند که پنجشنبه حق ما است و حاضر نیستیم که سه هفته پشت سرهم کار کنیم.

(از گزارشات ارسالی "یک کارگران" نشریه محلی جنوب تهران - وابسته به سازمان)

اعتراض کارگران بده عدم

پرداخت حقوق

حقوق شهرویه کارگران گونی بافی (تأمین شهر) بدلیل نقد آن بود چه پرداخت نشد! کارگران با اعتراض به مدیروا بخوان پرداخت حقوق خود شدند. اما مدیروا کارخانه بده بهانه ورشکستگی وند آشتن بود چه شروع به پرداخت و وعید نمود. کارگران که میدانستند که تولید گرخانه افزایش یافته است و شروع به کم کاری نمودند. سرانجام مدیروا مجبور شد حقوق شهرویه ماه کارگران را در مهرا ببرد از (از گزارشات ارسالی نشریه "پیام سرخ" - سازمان)

سرگردان کردن کارگران شیرپاستوریزه

اواخر سال ۱۲ کارخانه شیرپاستوریزه در گرگان تاسیس گردید. حدود ۸۰ نفر کارگرو کارضد برای این کارخانه استخدام گردید. قرار بود این کارخانه از ابتدای سال ۶۳ شروع بکار نماید اما تاکنون راه اندازی کارخانه به تعویق افتاد و مسئولین کارخانه در مقابل اعتراضات مداوم کارگران و کارضدین کارخانه با عنوان بهانه هائی مانند نداشتن مواد اولیه و غیره باعث سرگردانی آنان شده اند. کارگران و کارضدین در تاریخ ۱۶ مه ماه دست جمعی به فرمانداری گرگان مراجعه و خواهان راه اندازی کارخانه شدند و اما نتیجه ای نگرفتند.

(از گزارشات ارسالی نشریه "پیام سرخ" - مازندران - وابسته به سازمان)

کم کاری در کسارخانه ماشین رول

کارخانه ماشینی پوپل حدود ۴۰ نفر کارگر دارد که بابت یگر کارکنان تعداد پوسنل کارخانه به ۱۹۰ - ۸۰ نفر میرسد. تولید کارخانه وسایل و ماشینهای مربوط به راه سازی میباشد

این کارخانه در جریان انقلاب ۵۷ نعلابسه در اعتصابات شرکت کرد و کارگران کارخانه پس از قیام شورای کنترل تولید را برپا ساختند. بعداً با پیدایش وقدرت گیری انجمن اسلامی و دیگر اقدامات سرکوبگرانه رژیم شورای واقف کارگران از بین رفت. این کارخانه پس از قیام در اختیار سازمان گسترش و صنایع سنگین قرار گرفت که مدیونیت این سازمان قصد ببالا کشیدن نقدینه کارخانه را که مبلغ ۸۰۰ هزار تومان میباشد را داشت که با مقاومت و ممانعت کارگران مواجهه گردید و کارگران این بول را در اختیار دادگاه انقلاب قرار دادند. بارها بر اثر اعتراض و نارضایتی کارگران مدیون این کارخانه تعویض شده اند. اخیراً آمدن مدیون جدید که اقدام به قطع حق اضافه تولید نمود، کم کاری شدیدی از طرف کارگران صورت گرفته است بطوریکه کاری که ظرف ۲۰ - ۲۵ روز انجام میشد، اکنون ۲ / ۵ ماه طول می کشد.

(از گزارشات ارسالی نشریه "اتحاد سرخ" - وابسته به سازمان)

مبارزه کارگران سیتاسعلیه اضافه کاری اجباری در تاریخ ۳ مرداد ماه تمامی کارگران یک

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسوکردگی امپریالیسم آمریکا

قسمت از کارخانه تصمصیم میگیرند که هیچکدام برای اضافه کاری حاضر نشوند و این ترتیب در مقابل اصانه کاری اجباری در این کارخانه و عدم پرداخت کامل حقوقشان دست به اعتراض بزنند. سرپرست قسمت که از این موضوع باخبر میشود، در لیل مخالفت کارگران از اضافه کاری را جویای شد. کارگران با اعتراض میگویند شما هر تصمصیمی که در لیل می خواهید من توجه به شرایط کارگران و نظر خواهی از آنان اتخا ن می کنید و اضافه کاری را بر ما تحمیل می کنید. بعد از ده روز سرپرست کل که عضو انجمن جاسوسی اسلامی کارخانه نیز است به سمت آمد و رسا کارگران وارد صحبت میشود تا بخیال خود مساله را حل کند. کارگران به دستمزده کم اضافه کاری و فوق العاده ایام عید که می باید به آنان پرداخت میشود اعتراض می کنند. مذاکره بین کارگران و سرپرست به نتیجه ای نمی رسد و سرپرست میگوید که فعلا مندریت کارخانه بخارج رفته و بعد از بازگشت مساله را باوی در میان بگذاره.

با بازگشت مندریت کارخانه کارگران قسمت نزد مندریت رفته و خواسته های خود را باوی در میان می گذارند و خواهان پرداخت فوق العاده ای برای اضافه کاری روزهای تعطیل میشوند. مندریت نیز در کارخانه که خیال خود را از اعتراض عمومی کارگران تمام قسستها آسوده می داند به تهدید و ضرب متوسل شده و می گوید که اضافه کاری روزهای تعطیل برای شما فوق العاده

ندارد چون شطبه از آن یک روز که سرکار حاضر می شوید، یک روز تعطیلی از شرکت میگیرید و در مقابل اعتراض به کم بودن حقوق می گوید هر کسی که نمی خواهد می تواند برود.

(به نقل از "خبرنامه" کارگران انقلابی غرب تهران - مردانه - وابسته به سازمان)

اعتراض مردم گیلان شهر
به شرکت واحد

در جمعه اواسط مهرماه مردم در ایستگاه اتوبوس کیانشهر - امام حسین مدتها بود که منتظر اتوبوس بودند.

اتوبوسهای آمدند و بدون سوارکردن مسافری خالی می رفتند. اعتراض مردم به رئیس خط بیناید بود. عاقبت مردم خود تصمصیم گرفتند که اگر اتوبوس آمد جلوی آنرا گرفته و سوار شوند و این تصمصیم را قاطعانه به اجرا گذاشتند. بنمناهد اولین اتوبوس مردم خیابان را بسته بازور جلوی اتوبوس را گرفتند و دستهای رئیس خط (که می گفت بیسیم می زنم تا بیایند و شطرا متفرق کنند) اهمیت نمی دادند و در یک صف منظم به اتوبوس سوار شدند.

(به نقل از "پیک کارگران" (۱) - نشریه محلوی جنوب تهران - وابسته به سازمان)



تقویت جنگ خانگی

به بهانه بسط مبارزه طبقاتی

نشریه "پیشرو" ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، شماره ۱۰ خود را به مقاله‌ای تحت عنوان "سیاست رویزیونیستی اقلیت و راه کارگر در قبال مبارزه طبقاتی در کردستان" به قلم آقای جعفر شفیعی مزین نمود. در این مقاله نویسنده، در راستای پیش‌گامی مبارزه طبقاتی در کردستان راهکارهاییت و رجه اول دانسته و سالیان ۰۰۰۰ بقیه در صفحه ۸

توطئه تسلیح اجباری جوانان به بهانه

سربازگیری را خنثی کنیم

رژیم ضدانسانی قحط‌سرای تحمیل حاکمیت ننگین خود به اهالی تهران کردستان به اتخاذ سیاست‌های متعددی دست می‌زند که همگی حلقاتی از زنجیره واحدی هستند که هدف آن درهم شکستن مقاومت انقلابی بود و ما برای پیشبرد اهداف جنایتکارانه خود است.

بقیه در صفحه ۲۵ بهای ۵۰ ریال

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر